

رونق دین‌داری

یکم

مهم‌ترین رویداد دینی این روزها - آوریل ۲۰۰۵ و فروردین ۱۳۸۴ - درگذشت پاپ ژان پل دوم است؛ رویدادی که جهان را تحت تأثیر قرار داد و در صدر اخبار نشست. کارول وویتلا (Karol Wojtyla) که پس از انتصاب به مقام پاپی، به احترام اسلاف خودش عنوان ژان (یا یوحنا/یحیی) و پُل (یا پولس) را برای خود برگزید، نخستین روحانی غیرایتالیایی (لهستانی) در پنج قرن گذشته بود که در اکتبر ۱۹۷۸ توسط شورای کاردینال‌ها به عنوان دویست و شصت و پنجمین نفر از سلسله رهبران کلیسای کاتولیک به مقام پاپی منصوب شد.

پاپ فقید، گرچه از نگاه فرقه‌ای غیرمسیحیان و حتی مسیحیان غیرکاتولیک، عامل انسجام و رشد آیین کاتولیک در برابر دیگر فرقه مسیحی و ادیان غیرمسیحی بود، از نگاه شمول‌گرا و فراگیر دینی و معنوی به رشد و تقویت دیانت در جهان، به ویژه در مغرب‌زمین مدد رساند. با فشاری وی بر مواضع سنتی کلیسا، از جمله منع سقط جنین و طلاق با هدف دفاع از کیان خانواده، نیز و صلح‌طلبی و مخالفت وی با جنگ‌طلبی‌های قدرت‌های بزرگ و نیز مخالفت شدید با بی‌بندوباری جنسی و انحطاط اخلاقی برای همگان شناخته شده است. انتظار می‌رود که جانشین آلمانی وی، جوزف راتزینگر که عنوان بندیکت شانزدهم را برای خود برگزیده است، -چنانکه خود گفته - ادامه‌دهنده راه سلف خود بوده، به احیای معنویت، عدالت، صلح و رواداری دینی در جهان کمک کند. به نظر ما، فقد پاپ به معنای از دست رفتن یکی از رهبران معنوی دنیا، و رخنه‌ای پرناسدنی در بنای رفیع دین در جهان است. آنچه در این میان، شعف برانگیز و

الهام بخش است بدرقه باشکوه رسمی و مردمی پیکر پاپ در گذشته است که نشان دهنده حیات دین و حضور قوی ایمان دینی در دنیای امروز است. درست است که ما به دلیل افراط‌های دنیای جدید در گرایش و گِروش به انسان، عقل و تجربه، از ارزش‌های اخلاقی و معنوی دین دور افتاده‌ایم - و البته به نقش منفی بدفهمی‌ها و بدرفتاری‌های صورت گرفته به نام دین هم اذعان داریم -، با این همه، از اصل و اساس دین‌داری و معناگرایی جدا نمانده‌ایم، که امروزه رونقی دوباره نیز یافته است.

امید ما این است که دین در حیات کنونی‌اش به دور از جزم‌اندیشی‌ها، انحصارطلبی‌ها و خشونت‌گرایی‌هایی که در گذشته - و حتی امروزه - به نام آن و به مدد تفسیر، تبلیغ و تطبیق ناروای آن صورت می‌گرفته - و می‌گیرد - بتواند نقش مثبت خود را در معنادهی، انسجام‌بخشی و اعتلای فرد و جامعه ایفا کند و این در گرو همت و دقت همه کسانی است که عهده‌دار مناصب دینی یا داعیه‌دار و هوادار حکومت و جامعه دینی هستند و نیز همه مؤمنان و متدینان.

باید در مقام نظر و عمل ثابت کرد که دین برای انسان و در خدمت انسان است؛ برای همه زمان‌ها و همه نسل‌ها است؛ نه در خدمت حاکمان سیاسی و نهادهای دینی، که در خدمت همگان است؛ نه برای توده‌های محروم از رشد و توسعه، که برای همه انسان‌ها است و حتی برای نخبگان و دانش‌آموختگان و رشیدیافتگان پذیرفتنی‌تر و الهام‌بخش‌تر است. رسیدن به نقطه تعادلی که زمین و آسمان، ماده و معنا، مُلک و ملکوت، خدا و انسان، عقل و وحی، علم و دین، و دنیا و آخرت را به هم پیوند دهد آرزویی است بس دل‌انگیز و آرمانی و البته دست‌یافتنی.

دوم

بسط دیانت و معنویت، در کنار لزوم آفت‌زدایی از دین، و حفظ توازن و تعادل در دین‌داری، بسیاری از روشن‌اندیشان و خیرخواهان را به کوشش برای سامان‌دهی و همگرایی ادیان مختلف برانگیخته است. نشست و برخاستِ پیروان ادیان، و هم‌اندیشی و هم‌سخنی آنان ابهام‌ها و نگرانی‌های تاریخی ناشی از واگرایی و حتی ستیز دیرین ادیان را می‌کاهد و چه‌بسا از بین می‌برد و نیز آشنایی با آموزه‌ها و فهم‌های دینی دیگران و آگاهی از تجربه‌های مختلفی که دیگر ادیان در سیاق‌های تاریخی متفاوت از

سرگذرانده‌اند به تشکیل جبهه‌ای توانمند در برابر دین‌ستیزان و اخلاق‌گریزان یاری می‌رساند و نقش و کارایی دین را در حفظ کیان خانواده، صیانت از انسجام و همبستگی ملی، و تحکیم صلح و عدالت جهانی دوچندان می‌کند؛ همچنان‌که جریان‌ات درون‌دینی معطوف به بازخوانی و اصلاح اندیشه دینی را تجهیز و تقویت می‌نماید.

پیشنهاد و تصمیم رئیس‌جمهور فرهیخته و فرزانه ایران اسلامی، جناب حجة الاسلام والمسلمین سیدمحمد خاتمی برای تشکیل مجمع جهانی گفت‌وگوی تمدن‌ها، فرهنگ‌ها و ادیان را می‌باید گامی مهم در مسیر نیل به خواسته‌های پیش‌گفته دانست. طرح این اندیشه از سوی معمار اندیشه گفت‌وگوی تمدن‌ها که به ثماد خیرخواهی، و صلح و اصلاح‌طلبی ایرانیان تبدیل شده، بدین معنا است که به‌رغم فزونی خشونت‌های فرقه‌ای و جنگ‌طلبی‌های دولت‌ها به ویژه قدرت‌های بزرگ، همچنان می‌توان و باید به گفت‌وگو و تعامل اندیشید و نیز در این میان، دین نقشی تعیین‌کننده دارد. نقش دین در ایجاد، تداوم و جهت‌دهی تمدن‌ها آنقدر زیاد است که حتی - با کمی اغراق - می‌توان گفت‌وگوی تمدن‌ها را به گفت‌وگوی ادیان ارجاع و تحویل کرد.

پیشگامی چهره‌ای روحانی و موصوف به گشودگی توأم با التزام در اندیشه که به یمن تجربه گرانسنگش در هشت سال ریاست‌جمهوری، با کشورها، ملت‌ها و نهادها و چهره‌های اثرگذار و خیراندیش جهان آشنا گشته است می‌تواند نویدبخش آینده‌ای درخشان برای شناخت متقابل، و تعامل فرهنگ‌ها و ادیان گوناگون در ایران و در سراسر جهان باشد.

پیش از این، با تشکیل مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب در قم - که به تازگی موافقت قطعی وزارت آموزش، تحقیقات و فن‌آوری را با راه‌اندازی دوره کارشناسی ارشد در گرایش‌های مختلف ادیان و مذاهب اسلامی دریافت کرده است - و نیز شکل‌گیری مؤسسه گفت‌وگوی ادیان در تهران و انجمن علمی ادیان و مذاهب در حوزه علمیة قم که همگی به همت روحانیان نواندیش و برخی با مشارکت دانش‌آموختگان دانشگاهی پا گرفته‌اند و نیز ایجاد رشته‌های ادیان و عرفان در دانشگاه‌های دولتی و آزاد ایران بسترهای لازم برای رونق ادیان‌پژوهی و گفت‌وگوی ادیان فراهم گشته است.

آنچه در اینجا باید مورد تأکید قرار گیرد ضرورت مرزبانی دین‌پژوهان در حریم اندیشه‌ها و باورهای دینی و مذهبی است. همه تلاشگران این عرصه باید نشان دهند که

آشنایی و نشست و برخاست با پیروان و عالمانِ دیگر ادیان و مذاهب، نه تنها به وادادگی و استحالهٔ دینی و مذهبی نمی‌انجامد، که با یاری رساندن به شفافیت و وضوح تعالیم دین، راه را باورمندی توأم با بصیرت به باورهای دین و مذهب خود خواهد گشود. همچنین ضرورت پژوهش‌های مقایسه‌ای و مطالعات بینادینی و بینامذهبی نباید مورد غفلت قرار گیرد، که وظیفه‌ای اساسی تلقی شود. آشنایی صرف با دیگر ادیان و مذاهب در صورتی که به دستمایه‌ای برای تطبیق و مقایسه با دین و مذهب خویش نینجامد، دست‌کم با رسالت و کارکردِ مورد انتظارِ مراکز علوم دینی نمی‌سازد و نمی‌تواند توجیه‌کنندهٔ این همه تلاش و صرف هزینه برای تربیت ادیان‌پژوهان باشد. اگر روحانیان و طلاب علوم دینی به شناخت دیگر ادیان فراخوانده می‌شوند، قطعاً هدف اصلی، شناخت درستِ دیگر ادیان - و نیز مذاهب - برای سنجیدن تعالیم آنها با باورهای خود و در نتیجه، شناخت نقاط قوت و ضعف فهم دینی خویش است و البته در مرتبتی متأخر، تعامل و تفاهم با دیگر ادیان و مذاهب برای گسترش عدل و معنا، و صلح و صفا در جهان درخور اهتمام ویژه است.

اذعان نسبت به این دو امر ضروری، یعنی نگاهبانی از مرزهای اندیشهٔ دینی خویش و اهتمام به مطالعات مقایسه‌ای مقتضی آن است که علاقمندان و پژوهشگران شیعی مسلمان و عرصهٔ ادیان حتماً و به طور مستمر بر دامنه و عمق آشنایی خود با محتوای عالی و راقی دین اسلام و مذهب تشیع بیفزایند، تا با دستانی پر با دیگر ادیان رویرو شوند. همواره در تعامل مجموعه‌ها و منظومه‌های مختلف، در آغاز باید هویت‌های خاص شناخته شود و شکل بگیرد، سپس این هویت‌های مختلف و متمایز در کنار همدیگر بنشینند و به تبادل نظر و تجربه همت بگمارند. کسانی که خویشتن تاریخی و دینی خویش را به خوبی نمی‌شناسند از سوی دیگران نیز به جد گرفته نمی‌شوند؛ مباد که زمانی به خود آیم و ببینیم که عمری را در پی اغیار دویده‌ایم و از یار مانده‌ایم. و این توصیه‌ای است برای همهٔ دینداران از هر کیش و مذهبی که در آغاز، آنچه را خود دارند بکاوند و بشناسند و به عمل درآورند، سپس جويا و در تمنای داشته‌ها و یافته‌های دیگران باشند.